



## درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: امر سوم، مکث و توقف در سایر مساجد

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۴ رجب ۱۴۴۲

جلسه: ۸۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «والمشاهد کالمساجد فی حرمة المكث فیها»<sup>۱</sup>.

از فرمایش مرحوم سید (ره)، استفاده می‌شود که حکم مشاهد مشرفه نیز همانند مساجد است، یعنی همان‌گونه که توقف جنب در مساجد جایز نیست، توقف و مکث جنب نیز در مشاهد مشرفه حرام می‌باشد.

**سؤال:** آیا عبور و مرور جنب از مشاهد مشرفه و همچنین، برداشتن چیزی از مشاهد مشرفه؛ از طرف جنب، جایز است یا جایز نیست؟

**پاسخ:** مرحوم صاحب جواهر (ره) از جماعتی نقل کرده است که ضریح‌های مقدس و مشاهده مشرفه به مساجد ملحق می‌شوند. مرحوم شهید اول (ره) نیز در ذکری از شیخ مفید (ره) و ابن جنید (ره) این مطلب را نقل کرده است و آن را پسندیده است و بعضی این مطلب را از شهید ثانی (ره) نیز نقل کرده‌اند و بعضی از متأخرین نیز به الحاق حکم مشاهد مشرفه به مساجد تمایل پیدا کرده‌اند. در کتاب مفتاح الکرامة این‌گونه آمده است: «و ألحق جملة من متأخري أصحابنا منهم الشهيدين بالمساجد الضرائح المقدسة و المشاهد المشرفة و رده جملة من المتأخرين»<sup>۲</sup>؛ عده‌ای از متأخرین از جمله شهید اول و شهید ثانی مشاهد مشرفه را به مساجده ملحق کرده‌اند و عده‌ای دیگر الحاق را رد کرده‌اند.

نکته‌ای که قابل تأمل است این است که از این‌گونه تعبیرات، معلوم می‌شود که در این مسأله نه بین قدما شهری وجود دارد و نه بین متأخرین شهرت وجود دارد، بلکه ظاهر از ذکر مساجد در بیان آنچه که دخول آن بر جنب حرام است و عدم ذکر مشاهد مشرفه، دلیل بر عدم الحاق مشاهد مشرفه به مساجد است، یعنی از اینکه مساجد را در هنگام ذکر «ما یحرم دخوله علی الجنب»، بیان کرده‌اند ولی مشاهد مشرفه را بیان نکرده‌اند فهمیده می‌شود که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق نمی‌شوند لذا آنچه در تعلیق بعضی از بزرگان آمده است که به مشهور نسبت داده‌اند و گفته‌اند که نظر مشهور این است که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق می‌شوند، صحیح نیست مگر اینکه منظورشان شهرت بین علمای نزدیک به عصر کنونی، مثل مرحوم شیخ انصاری (ره) و مرحوم صاحب جواهر (ره) باشد که در این صورت، شهرت متعارف نخواهد بود و خلاف اصطلاح فقه است و اینکه در کلام صاحب جواهر (ره) و مفتاح الکرامة آمده است که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق می‌شوند به این مطلب اشعار دارد که نصی در این زمینه وارد نشده است و خود این، اعتراف به عدم وجود نص است و سرایت دادن حکم از مساجد به مشاهد مشرفه از باب تنقیح مناطی است که وجود دارد، یعنی همان ملاکی که در مساجد وجود دارد در مشاهد مشرفه نیز وجود دارد لذا گفته‌اند که همان‌گونه که توقف در مساجد؛ از سوی جنب حرام است، توقف او در مشاهد مشرفه نیز حرام می‌باشد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. سید جواد بن محمد، حسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثة)، ج ۳، ص ۷۷.

**دلیل اول،** این است که حقیقت و روح مسجد که عبارت از شرافت و محلّ برای عبادت و تحصیل قربت نسبت به پروردگار عالم است، در مشاهد مشرفه نیز وجود دارد، بلکه حتی عده‌ای گفته‌اند که مشاهد مشرفه اکمل از مساجد می‌باشند، یعنی علاوه بر اینکه مسجدیت بر آنها صدق می‌کند، شرافت بالاتری نیز دارند. پس دلیل اول این است که معنای مسجدیت در مشاهد مشرفه نیز تحقق دارد.

**اشکال بر دلیل اول**

اساساً در ادله، حرمت مکث و دخول، بر عنوان مسجد مترتب شده‌اند و بر معنای مسجد و روح مسجد مترتب نشده‌اند تا گفته شود که احکام مسجد به مشاهد مشرفه نیز سرایت می‌کند، پس چون تسری احکام مسجد به مشاهد مشرفه دلیل ندارد، نمی‌توان گفت که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق می‌شوند.

مرحوم آقا شیخ مرتضی حائری (ره) در کتاب شرح عروة الوثقی نوشته است: «فَلَأَنَّ مَعْنَى الْمَسْجِدِيَّةِ لَيْسَ مَقْصُوداً بِصَرْفِ الثَّوَابِ عَلَى الْعِبَادَةِ فِيهِ بَلْ تَقَوْمُهَا بِإِقَافِ الْمَكَانِ لِلصَّلَاةِ وَبَعْضِ الْعِبَادَاتِ الْآخَرَى كَالِإِتْكَافِ وَ الْمَشَاهِدِ الْمَشْرُفَةِ لَا تَكُونُ مَوْقُوفَةً عَلَى الصَّلَاةِ وَ الْإِعْتِكَافِ وَ الثَّوَابِ الصَّلَاةِ فِيهَا لَا يَلَازِمُ الْوَقْفِيَّةَ... وَ لَوْ كَانَتْ مَمْلُوكَةً لِبَعْضِ الْأَشْخَاصِ».

بنابراین، دلیل اول تمام نیست و نمی‌توان مشاهد مشرفه را از این باب که روح مسجد بر مشاهد مشرفه نیز حاکم است، به مساجد ملحق کرد چون ادله حرمت مکث و دخول در مسجد، بر عنوان مسجد مترتب شده‌اند و بر معنای مسجد و روح مسجد مترتب نشده‌اند.

**دلیل دوم،** لزوم تعظیم شعائر الهی است که از آیه شریفه ذیل استفاده می‌شود؛

«وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup>.

گفته‌اند که حرمت دخول و مکث جنب در مشاهد مشرفه از باب تعظیم شعائر الهی است.

**اشکال به دلیل دوم**

گفته شده است که نهایت چیزی که بتوان از آیه مذکور، استفاده کرد، استحباب ترک دخول در مشاهد مشرفه؛ با حالت جنابت است لذا ترک دخول در مشاهد مشرفه؛ با حالت جنابت، واجب نیست تا گفته شود که دخول در آنها؛ با حالت جنابت حرام است چون تعظیم شعائر الهی مراتب متعددی دارد و الزاماً تعظیم به جمیع مراتبش واجب نیست. بلکه اگر از دخول شخص جنب در مشاهد مشرفه و توقف در این اماکن، هتک حرمت پیش آید، دخول او حرام است و این یک عنوان ثانوی است و یک عنوان اولی نیست لذا تعظیم واجب می‌شود و مکث و توقف در مشاهد مشرفه، عنوان حرمت پیدا می‌کند، اما به عنوان ثانوی و نه به عنوان اولی، چون حرمت، متعلق به هتک است و ترک هتک، مستلزم تعظیم است و هتک، گاهی ممکن است که محقق شود و گاهی ممکن است که محقق نشود، پس هر جا که عنوان هتک آمد، تعظیم واجب است و هر جا که عنوان هتک نیاید، تعظیم واجب نیست و چه بسا که دخول جنب در مشاهد مشرفه در بعضی از موارد، مصداق تعظیم باشد، مثل آن موردی که وقت تنگ است و مسافر، تمکّن از غسل کردن ندارد و بخواهد به قصد زیارت داخل حرم شود و سلام بدهد و برود و قصد او از این کار، هتک حرمت حرم امام (ع) نیست، بلکه قصد او ابراز ارادت است.

**دلیل سوم،** روایاتی می‌باشند که در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از این جمله‌اند؛

روایت اول: صحیحہ محمد بن الحسن الصفار: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ فِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ يَغْنِي عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ بُكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ قَالَ: خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَنْزِلَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، فَلَحَقْنَا أَبُو بَصِيرٍ خَارِجاً مِنْ زُقَاقٍ وَهُوَ جُنُبٌ وَنَحْنُ لَا نَعْلَمُ حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ؛ فَقَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِجُنُبٍ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ؟» قَالَ: فَرَجَعَ أَبُو بَصِيرٍ وَدَخَلْنَا<sup>۱</sup>.

گفت شده است که کلمه «لا ینبغی» که در این روایت آمده است، ظهور در کراهت دارد [، کما اینکه معروف نیز همین است]، بنابراین نمی تواند دلالتی بر حرمت داشته باشد. اما اگر «لا ینبغی» به معنای «لا یتیسر» یا «لا یتمکن» باشد در این صورت، به معنای عدم تمکن شرعی و حرمت خواهد بود و ظهور در حرمت خواهد داشت چون «لا یتمکن» به معنای عدم تمکن تکوینی نیست زیرا شخص، تکویناً متمکن از دخول می باشد.

بعضی گفته اند که قرینه ای وجود دارد، مبنی بر اینکه از «لا ینبغی» ظاهر آن اراده نشده است که توضیح آن، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۶، ص ۲۱۱، ح ۱.